

عرفان پورایمانی، دارنده ۲ مدال المپیاد کشوری، امسال روی صندلی دانشگاه اهدافش را دنبال می‌کند

حضور پررنگ یک داروساز در اجتماع

۹



راه تجربه



● سنگ خوش تراش، هدیه‌ای از استاد

سال بعد که عرفان در پایه یازدهم درس می‌خواند، نمی‌توانست مجدد در رشته کارآفرینی شرکت کند و در نهایت رشته علوم زمین را انتخاب کرد. او در این سال، مدال برنز المپیاد کشوری علوم زمین را دریافت می‌کند و فراتر از مدال، هدیه‌ای را که از استادش گرفت، دوست دارد. او تعریف می‌کند: بعد از این موفقیت، استاد درس زمین‌شناسی ام، آقای غلامرضا اهدی پور، یک سنگ که خودش آن را تراش داده و جزو کلکسیون سنگ‌هایش بود به من هدیه داد که خیلی برایم ارزشمند است و آن را یادگاری نگه داشته‌ام.

عرفان از سال دوازدهم تحصیلش نیز به عنوان سالی سخت یاد می‌کند؛ سالی که باید چندین ساعت درس می‌خوانده و با برنامه ریزی دقیق پیش می‌رفته است. او می‌گوید: این طور نشستن پای دفتر و کتاب برای من سخت بود اما چاره‌ای نداشتم و باید می‌خواندم.

● دانشگاه، فرصتی برای توسعه ارتباطات

عرفان در این مدت در مدرسه‌شان رشته کارآفرینی را تدریس می‌کرده و حق الزحمه دریافت کرده است. او در لیگ کارآفرینی «پایا» ایده‌ای درباره یک نوع ریش تراش ارائه داده که انجام‌مقام نیاورده اما حالا در صدد ثبت اختراعش است.

این دانش‌آموز مدال آور تعریف می‌کند: بعد از اعلام نتایج کنکور که امیدوار بودم بتوانم در رشته مورد علاقه‌ام یعنی داروسازی و در مشهد ادامه تحصیل دهم، یک روز که از مقابل کتابخانه مرکزی رد می‌شدم، خاطرات سال‌های گذشته و تمام روزهایی که از آن کتاب به امانت می‌گرفتم، از ذهنم عبور کرد. اما در پس تمام این خاطرات با خودم گفتم: «عرفان باید نگاهت به آینده باشد. اگر بخوای به این مدال‌ها مغرور شوی، پیشرفت نمی‌کنی».

او مجدد از ارتباطات اجتماعی‌اش یاد می‌کند و می‌گوید: بیشتر از همه مدال‌ها، ارتباطات اجتماعی برایم اهمیت دارد. می‌خواهم از فرصت تحصیل در دانشگاه و فضای کار برای توسعه روابط اجتماعی‌ام استفاده کنم و حضوری مؤثر و پررنگ در تشکّل‌ها داشته باشم.

فهمیده شهری | مدال طلای المپیاد کارآفرینی و مدال برنز المپیاد علوم زمین، مهم‌ترین عناوینی است که عرفان پورایمانی را با آن می‌شناسند. این دانش‌آموز محله لادن درس خوانده مدارس تیزهوشان است اما برخلاف خیلی از دانش‌آموزان مشابه خودش، وقتی با او صحبت می‌کنیم نه از تلاش شبانه‌روزی حرف می‌زند نه از کتاب‌های تست و کمک آموزشی. عرفان بیشتر از درس و مدال‌ها، به ارتباطات اجتماعی اهمیت می‌دهد. او ضعف‌هایش را پنهان نمی‌کند. رک و راست از روزهایی تعریف می‌کند که دوست نداشته درس بخواند. از نمره ۱۲ ریاضی‌اش که معدلش را پایین آورد، می‌گوید و از اینکه باعث شده خانواده و اولیای مدرسه، امیدی به موفقیت‌های بعدی‌اش نداشته باشند.

● نمره ناپلئونی ریاضی!

عرفان امسال در رشته داروسازی وارد دانشگاه شده است. مادرش، غزاله قره‌داغی، تعریف می‌کند: از کودکی بیشتر اوقات فراغت‌ش به خواندن کتاب‌های علمی و رمان می‌گذشت. کلاس ششم در المپیاد فارسی و علوم شرکت کرد اما در مرحله کشوری مقام نیاورد. سال ششم که تیزهوشان قبول شد، خیلی خوشحال شده بودیم.

پایه‌های هفتم، هشتم و نهم عرفان هم‌زمان با دوران کرونا بود. او تعریف می‌کند: در آن زمان بچه‌ها باید متکی به خودشان می‌بودند. اگر کسی خودش درس نمی‌خواند، پایه‌اش ضعیف می‌شد. من هم خیلی پای درس نمی‌نشستم. اگر بایک ساعت درس خواندن ۱۹ می‌گرفتم، خودم را مقید نمی‌کردم یک ساعت بیشتر بخوانم تا ۲۰ بگیرم. در درس ریاضی هم که نیاز به تمرین بیشتری داشت، سهل‌انگاری کردم و در سال‌های بعد تأثیر منفی‌اش را گذاشت.

عرفان به درس‌های ادبیات، فلسفه و تاریخ علاقه دارد اما بعد از مشورت با خانواده‌اش، از رفتن به رشته انسانی صرف نظر کرد و در رشته تجربی ادامه تحصیل داد.

او از سال دهم تحصیلی به عنوان سالی سخت یاد می‌کند و می‌گوید: معلمان بسیار سخت‌گیری داشتیم. باید در روز چندین ساعت درس می‌خواندی و این برای من که درس و مدرسه را چندان جدی نگرفته بودم، خیلی سخت بود. آن سال نمره ریاضی ام ۱۲ شد و معدل من رابیه ۱۷٫۷۰ رساند. باین معدل همه از من قطع امید کرده بودند و در جمع تیزهوشان حرفی برای گفتن نداشتم.

● حضور در المپیاد کارآفرینی

از آنجایی که عرفان پسری اجتماعی است و به فعالیت‌های این چنینی علاقه دارد، در تشکّل‌های مدرسه، شورای دانش‌آموزی و امور پرورشی حضور پررنگی داشته است. او می‌گوید: به خاطر این فعالیت‌ها رفت‌وآمد من به دفتر مدرسه، زیاد بود.

در سال دهم تحصیلی (۱۴۰۱-۱۴۰۲) دوستش، احمد رضا عافی، او را ترغیب کرد که در المپیاد کارآفرینی شرکت کند و همین موضوع او را به پله‌های ترقی نزدیک کرد. عرفان در مرحله دوم المپیاد، رشته‌های «سواد رسانه» و «کارآفرینی» قبول می‌شود اما چون علاقه‌اش به کارآفرینی بیشتر بوده، برای مرحله کشوری، این رشته را انتخاب می‌کند.

او تعریف می‌کند: چهل نفر از سراسر کشور در این رشته قبول شده بودیم و به دانشگاه شهید رجایی تهران رفتیم. سه هفته آنجا بودیم و هر روز از صبح تا ظهر کلاس داشتیم.

● تجربه زندگی خوابگاهی

او که ابعاد اجتماعی‌اش جذاب تر است، در اینجاست که به جای صحبت از درس و کلاس‌ها، از تجربیات اجتماعی‌اش تعریف می‌کند: از اینکه با افرادی از شهرهای مختلف آشنا شده و دوستان جدیدی پیدا کرده است. او می‌گوید: برای من که تا این زمان، زندگی خوابگاهی را تجربه نکرده‌ام و شخصیتی خانگی داشته‌ام، تجربه خوبی بود.

بعد از آزمون و در زمان اعلام نتایج، نام عرفان پورایمانی به عنوان دریافت‌کننده مدال طلای رشته کارآفرینی عنوان می‌شود. پدرش، امیر پورایمانی که کارمند شهرداری اداره ناحیه ۲ شهرداری منطقه ۹ است، می‌گوید: حس خیلی خوبی بود. هم‌زمان حس شادی و افتخار را تجربه کردیم.

به نظر پدر عرفان، چون این رشته با روحیه پسرش سازگارتر بوده است، توانسته در آن موفق شود.

